

دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال چهارم

بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره چهل و نهم

نقد ترجمه اسماء خداوند

فرزانه تاج آبادی^۱

چکیده

فرآیند انتقال پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد همواره امری دشوار بوده که میزان این دشواری در برگردان متون مقدسی از جمله قرآن دو چندان می‌شود. با لحاظ کردن ماهیت امر ترجمه، از هیچ مترجم قرآنی نمی‌توان انتظار داشت که بازآفرینی دقیقی از معنا و پیام اصلی قرآن به زبان‌های دیگر ارائه کند و درست به همین دلیل از متخصصین حوزه‌های مختلف به‌ویژه ترجمه‌پژوهان و زبان‌شناسان انتظار می‌رود که این ایرادها و لغزش‌ها را شناسایی، بررسی و واکاوی کرده و راه‌های برون رفت از این اشتباهات را ارائه دهند. یکی از ایراداتی که در ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن به چشم می‌خورد، انتخاب برابرنهادهای اسماء و صفات الهی است که به کرات در متن قرآن به کار رفته‌اند. هدف پژوهش حاضر نیز شناسایی این لغزشگاه‌ها است. به منظور انجام تحقیق حاضر، ۱۰ مورد از ترجمه‌های معاصر قرآن کریم به صورت غیرگزینشی از نرم‌افزار نور انتخاب گردید و ترجمه ۱۵ مورد از اسماء و صفات الهی در آنها از منظر زبان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت. شایان ذکر است به منظور افزایش میزان اعتبار نتایج، صفاتی برای این تحقیق برگزیده شد که از بسامد تکرار بالایی برخوردار باشند. نتایج این جستار نشان می‌دهد که بارزترین خطاهای صورت گرفته در ترجمه اسماء و صفات الهی به زبان فارسی عبارت‌اند از: عدم رعایت یکسانی و پیوستگی در ترجمه اسماء، عدم رعایت همگونی در ترجمه اسماء به کار رفته در آیاتی با ساختارهای نحوی و موضوعی مشابه، استفاده از معادل‌های دشوار و نامأنوس، نادیده انگاشتن بار عاطفی آیه در انتخاب معادل واژه، حذف و ترجمه‌نکردن واژه، عدم توجه به صورت‌های صرفی (ساختار واژگانی) و نحوی واژه در زبان عربی و نظایر آن.

کلیدواژه‌ها: لغزش‌های زبان‌شناختی ترجمه، ترجمه‌های معاصر قرآن، اسماء الهی، زبان فارسی.

۱- مقدمه

ترجمه عبارت است از بازسازی نزدیک‌ترین معادل طبیعی زبان مبدأ در زبان مقصد؛ نخست از نظر معنی و آنگاه از لحاظ سبک (Nida & Taber, 1969, 12). تعریف مذکور به خوبی بیانگر این حقیقت است که به هیچ وجه نمی‌توان انتظار ترجمه‌ای کامل از یک متن داشت. این موضوع در ترجمه متون مقدس از جمله قرآن بیشتر به چشم می‌خورد. رضائی اصفهانی (۱۳۸۶) معتقد است با توجه به دشواری‌ها و ویژگی‌های خاصی که ترجمه قرآن دارد، نیازمند قیود دیگری در تعریف ترجمه قرآن هستیم و ترجمه قرآن را اینگونه تعریف می‌کند: "فرایند انتقال پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد که توسط مترجم دارای شرایط و بر اساس روش‌های صحیح ترجمه و با توجه به مبانی استنباط از قرآن صورت می‌گیرد و می‌کوشد که تا حد امکان سبک کلام را به زبان مقصد منتقل سازد" (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۶، ۳۰). به بیان دیگر، ترجمه مطلق یا جایگزین از قرآن وجود ندارد که بتواند تمام کمالات قرآن را بنماید و تمامی ترجمه‌های موجود به طور نسبی محتوا، دلالت اصلی و تبعی کلام و آهنگ قرآن را در زبان مقصد بازنمایی می‌کنند. نگاهی گذرا به سیر تاریخی ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی نشان می‌دهد که اولین ترجمه فارسی قرآن به قرن نخست هجری باز می‌گردد، یعنی زمانی که ایرانیان از سلمان فارسی خواستند ترجمه سوره حمد را برای آنان بنویسد و این روند تا به امروز یعنی قرن پانزدهم هجری ادامه یافته است.^۱ اگرچه برگردان قرآن، تاریخچه‌ای طولانی و به درازای اسلام دارد و این سیر تکاملی از قرن نخست هجری تا کنون ادامه داشته است و ترجمه‌های موجود از گنجینه‌های گرانقدر زبان فارسی بشمار می‌آیند، هنوز چالش‌های مفهومی و استنباطی یا به عبارتی دیگر لغزش‌گاه‌های زیادی در سر راه ترجمه این کتاب مقدس به زبان فارسی وجود دارد که شناخت هرچه بیشتر و بهتر آنها توسط پژوهشگران و صاحب‌نظران می‌تواند گامی موثر در جهت نیل به یک ترجمه مطلوب باشد. شایان ذکر است همان‌طور که

۱- رضائی اصفهانی فهرستی از مشهورترین و مهم‌ترین ترجمه‌های موجود به زبان فارسی شامل ۲۰ مورد از ترجمه‌های کهن و ۶۱ مورد از ترجمه‌های معاصر را ارائه کرده است (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۶، ۶۸-۶۵).

ترجمه متون مقدس با ترجمه متون عادی تفاوت‌هایی دارد، چالش‌های پیش روی مترجمین این کتاب مقدس نیز با دیگر چالش‌های موجود متفاوت است. با توجه به مقدمه کوتاهی که ذکر شد، پژوهش حاضر تلاش می‌کند از منظر علم زبان‌شناسی به بررسی یکی از این لغزش-گاه‌ها، یعنی چالش برگردان اسماء الحسنی به زبان فارسی در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم بپردازد.^۱ منظور از اسماء الحسنی، نام‌های نود و نه گانه نیکویی است که برای نامیدن و توصیف خداوند در قرآن ذکر شده است "ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها" (اعراف/۱۸۰).

۲- پیشینه تحقیق

موضوع نام‌های نیکو خداوند از دیرباز مورد توجه محققین و اندیشمندان بوده است و آنچنان که از سیر تحول شروح اسماء در طول تاریخ اسلامی برمی‌آید، این اسماء متأثر از گرایش‌های مختلف از منظرهای مختلف لغوی، حدیثی، کلامی، صوفیانه، عرفانی و فلسفی مورد بحث قرار گرفته‌اند و آثار ارزنده‌ای در هر مورد به رشته تحریر درآمده است. با این وجود، متناسب با هدف تحقیق حاضر، یعنی آسیب‌شناسی ترجمه این اسماء (به ویژه به زبان فارسی)، پژوهشی مستقل صورت نگرفته است و تنها در دل تحقیقات کلی‌تری که با رویکرد نقد و ارزیابی ترجمه‌های متفاوت قرآن صورت گرفته، به برخی موارد اشاره شده است. به عبارت دیگر، تا کنون در هیچ پژوهشی این چالش در ترجمه قرآن، محور بحث نبوده است. به منظور جلوگیری از هرگونه تکرار و زیاده‌گویی، در این قسمت از ذکر این منابع چشم‌پوشی کرده و در خلال تحلیل داده‌ها متناسب با هر بخش، به آنها اشاره می‌شود. خلاء مشاهده شده در رابطه با این موضوع در ادبیات تحقیق، خود گویای ضرورت انجام پژوهش حاضر است.

۳- روش تحقیق

جستار حاضر با رویکرد زبان‌شناختی و در نظر گرفتن ضوابط و قواعد ترجمه، به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی و نقد ترجمه ۱۵ مورد از اسماء الحسنی (الحکیم، الغفور، العظیم، العزیز،

۱ - ترجمه‌های فارسی قرآن کریم را با توجه به مقطع عرضه زبانی آنها می‌توان به دو دسته کهن و معاصر (جدید) تقسیم کرد.

الرحمن، الرحيم، القيوم، المقيت، الحفيظ، القهار، الخبير، الكريم، الودود، الغني، الواسع) در ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم می‌پردازد. به منظور اعتبار بخشی هر چه بیشتر به نتایج پژوهش، اسامی ای با بسامد تکرار زیاد انتخاب گردید و داده‌ها از ۱۰ منبع مختلف گردآوری شد. در انتخاب این منابع، تنها معاصر بودن آنها مدنظر بوده و هیچ ملاک و معیار خاص دیگری از جمله سبک ترجمه، روش ترجمه (تحت اللفظی یا کلمه به کلمه، آزاد یا تفسیری، محتوا به محتوا)، اعتبار مترجم و نظیر آنها دخیل نبوده است. این منابع عبارت‌اند از: پاینده (۱۳۳۶)؛ نوبری (۱۳۳۹)؛ رهنما (۱۳۵۴)؛ خرم‌دل (۱۳۷۱)؛ قرشی بنایی (۱۳۷۱)؛ کاویان-پور (۱۳۷۲)؛ فولادوند (۱۳۷۳)؛ مکارم شیرازی (۱۳۷۶)؛ الهی قمش‌های (۱۳۷۷)؛ یزدی (۱۳۸۶).

۴- تحلیل داده‌ها

همان‌طور که ذکر شد یکی از چالش‌های مطرح در ترجمه قرآن به زبان فارسی، انتخاب برابرنهادهای مناسب برای اسماء الحسنی است. در این بخش تلاش می‌شود ضمن نشان دادن برخی از این لغزش‌ها، آنها را ذیل عناوین مختلف دسته‌بندی کرده و برای هر مورد مثال‌هایی به عنوان شاهد ارائه شود.

۴-۱- عدم رعایت یکسانی و پیوستگی در ترجمه

یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم و مطرح در ارزیابی ترجمه‌های قرآن، یکسان‌سازی و رعایت هماهنگی در ترجمه مشابهات قرآن است. رعایت این همگونی به حفظ اصل و وحدت رویه در ترجمه قرآن می‌انجامد همچنین منجر به ایجاد انسجام متن می‌شود که در انتقال معنی بسیار حائز اهمیت است و از نقاط قوت یک ترجمه خوب به شمار می‌رود. در حقیقت نظام واژگانی قرآن کریم مبتنی بر تدبیر است و هر واژه‌ای هدفی را دنبال می‌کند و چنانچه واژه‌های مکرر و یکسان در ترجمه منعکس نشود، احتمال دگرگونی در متن اصلی بسیار است (نجار، ۱۳۸۴، ۲۶). علی‌رغم اهمیت بالای این موضوع، عدم رعایت آن یکی از شایع‌ترین مواردی است که در ترجمه‌های قرآن به چشم می‌خورد. در مورد اسامی خداوند نیز انتظار می‌رود که مترجم این همگونی و انسجام را رعایت کند زیرا تمامی این نام‌ها در خود متن اصلی (زبان مبدأ) به طور

نقد ترجمه اسما خدوید ۵۹۱۱۱

یکسان به کار رفته‌اند. اما مشاهده می‌شود که برخی مترجمان آنها را به گونه‌های مختلفی ترجمه کرده‌اند و این مساله عدم توجه آنها به اصل یکسان‌سازی ترجمه اسامی مشابه را مبرهن می‌سازد. شایان ذکر است با وجود تمام ایراداتی که به ترجمه‌های تحت اللفظی وارد است، از آنجایی که این ترجمه‌ها بیشترین میزان وابستگی و تقید به متن مبدأ را دارند و این اسامی در متن مبدأ به شکل یکسان به کار رفته‌اند، در اکثر موارد، یکسان‌سازی در ترجمه این اسامی رعایت شده است که این امر از موارد قوت آنها برشمرده می‌شود (ناصری و همکاران، ۱۳۹۳).
برای نمونه:

مترجم	واژه	برابرها
الهی قمشه‌ای	الحکیم	حکیم (هور ۱)، توانا (بقره ۲۰۹)، توانا و دانا (بقره ۲۲۰)، دانا (انفال ۴۹)، به حقایق امور آگاه است (نساء ۲۶)، درست کردار (انعام ۱۲۸)، خدا را کمال قدرت و حکمت است (انفال ۱۰)، درست کردار (انعام ۱۲۸)، کارش از روی حکمت است (انفال ۶۷)، درستکار (انفال ۷۱)، در کمال عنایت و حکمت است (توبه ۴۰)، بر تمام مصالح خلق آگاه است (توبه ۶۰)، آگاه (ممتحنه ۱۰)،
خرم دل	الغفور	بخشنده (بقره ۱۷۳)، آمرزنده (بقره ۱۸۲)، بسی آمرزنده (بقره ۲۳۵)، دارای مغفرت (نساء ۲۵)، آمرزگار (مائده ۱۰۱)، صاحب مغفرت (توبه ۲۷)، بخشایش‌گر (یوسف ۹۸)، دارای گذشت بسیار (حجر ۴۹)،
قرشی بنایی	القهار	قهار (زمر ۴)، غالب (ص ۶۵)، مسلط (یوسف ۳۹).
رهنا	الغفور	بخشنده (بقره ۱۷۳)، آمرزگار (بقره ۱۸۲)، آمرزنده (بقره ۱۹۲)، بخشاینده (بقره ۱۹۹)، بسیار آمرزنده (نساء ۱۵۲)،

۴-۲- عدم رعایت همگونی معادل‌ها در آیاتی با ساختار نحوی و موضوعی

مشابه:

یکی از ابعاد طرح یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن، یکسانی ترجمه آیات و جملاتی با ساختار نحوی و الگوی بیانی مشابه است. شایسته است مترجم ترجمه یکسانی از آیاتی که بخشی از آن یا همه آن تکرار شده است، ارائه نماید. بنابراین در این موارد لازم است که از قبل معادل‌یابی دقیق انجام شود و بر اساس آن سراسر متن یکسان‌سازی شود. کریمی‌نیا علت آشفتگی در ترجمه عبارات یکسان به صورت‌های مختلف را ناشی از شتاب مترجمان در ترجمه و ناآگاهی

از مواضع جملات و آیات مشابه می‌داند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹، ۲۳۹). عدم ارائه برابرنهادهای یکسان برای اسامی به خصوص زمانی که در آیه‌ای با ساختار نحوی و موضوعی مشابه رخ دهد، به دلیل اینکه به دفعات از این قاعده تخطی می‌شود، این لغزش را نمایان‌تر می‌سازد. برای مثال:

مترجم	واژه	برابرنهادها
یزدی	انك انت العليم و الحكيم (بقره ۳۲) که کارهایش حکیمانه و هدفدار است.
	انك انت العزيز و الحكيم (بقره ۱۲۹)	... پیروزمند و حکیم هستی (کارها را محکم و استوار می‌کنی و از روی علم و حکمت فرمان می‌دهی)
	و الله عزيز حکيم (بقره ۲۲۸) پیروزمند و کارهایش حکیمانه است.
	ان الله عزيز حکيم (بقره ۲۰۹) عزیز و حکیم است و با قدرت و حکمت با شما رفتار می‌کند.

۴-۳- عدم رعایت اختصار در ترجمه

در ترجمه‌های محتوایی و آزاد قرآن، مترجمان از مطالب اضافی و افزوده‌های تفسیری زیادی استفاده می‌کنند. در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم به زبان فارسی نیز استفاده از این تکنیک بسط به میزان قابل توجهی گسترش یافته است. ترجمه اسماء الحسنی نیز از این امر مستثنی نیست. به بیان دیگر، مترجم تلاش می‌کند برای روشن‌تر کردن معنی این واژه‌ها، تا حد امکان از این افزوده‌ها استفاده کند و معنی اسامی مورد نظر را بدون دغدغه محدودیت الفاظ و کلمات به زبان فارسی منتقل نماید. ایراد کار آنجاست که این توضیحات تفسیری در داخل پرانتز یا پاورقی نیامده و از متن اصلی قرآن متمایز نشده است و به همین دلیل مخاطب متوجه نمی‌شود که کدام قسمت، سخن اصلی متن است که ترجمه شده و کدام قسمت توضیح اضافی مترجم است. علاوه بر این، در برخی موارد مترجم نیازی به استفاده از این افزوده‌ها نداشته است ولی با این حال از معادل‌های متعدد استفاده کرده که این امر از آسیب‌های ترجمه محسوب می‌شود. هنر مترجم آن است که بتواند بدون هیچ افراط و تفریطی پیام کلام را از زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل کند. برای نمونه:

مترجم	واژه	برابرها
یزدی	بسم الله الرحمن الرحيم	به نام خداوندی که از سرمهر بخشش فراگیر و همیشگی دارد.
مکارم شیرازی	القیوم	پایدار و نگاهدارنده (ال عمران ۲)
مکارم شیرازی	الواسع	وسیع از نظر قدرت و رحمت (بقره ۲۶۱)
نوبری	الغفور	بخشاینده توبه کنندگان و شکر گزاران (سبا ۱۵)
فولادوند	الحفیظ	محافظ و مراقب (هود ۵۷)
نوبری	الغفور	توبه آنها را قبول و به بندگان رحم کرده (ال عمران ۸۹)

۴-۳- عدم توجه به بار معنایی و عاطفی واژه

آگاهی از بار عاطفی واژه‌ها و ساختاری که این واژه‌ها در آنها قرار می‌گیرند، از جمله مواردی است که از یک مترجم خبره و زبردست انتظار می‌رود به آن توجه داشته باشد و به شکلی آن را در ترجمه خود به نمایش بگذارد. شایان ذکر است که به دلیل تفاوت‌های زبان مبدأ و مقصد، انتقال این بار عاطفی ممکن است به شیوه‌های مختلفی صورت بگیرد و مهم‌تر آنکه این انتقال نسبی است. توجه به بار عاطفی واژه با در نظر گرفتن سیاق آیات، حاکی از آن است که مترجم دقایق معانی متن اصلی را به خوبی درک کرده است. در حقیقت انتقال این بار عاطفی نقش مهمی در فهم مطلب ایفا می‌کند و باعث می‌شود که متن ترجمه شده همان تأثیری را در مخاطب ایجاد کند که در مخاطبان زبان اصلی با خواندن متن اصلی ایجاد می‌شود (مروتی، ۱۳۷۱، ۱۸). برای مثال:

مترجم	واژه	برابرها
فولادوند	ذُقْ أَنْكَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ	بچش که تو همان ارجمند بزرگواری! (دخان ۴۹)

از آنجا که آیه فوق بعد از آیات مربوط به عذاب دوزخیان است از سیاق آن اینگونه برمی‌آید که بار عاطفی جمله معطوف به سرزنش دوزخیان است و نباید به صورت مدح مخاطب ترجمه شود (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۶، ۲۳۲).

مثال دیگر واژه "غنی" است که در اکثر موارد برابر نهاد "بی‌نیاز" برای آن در نظر گرفته شده است. حال آنکه این واژه دارای بار معنایی مثبتی است که بهتر است معادل "توانگر" برای آن انتخاب شود.

۴-۴- حذف: برخی از مترجمین معتقدند اگر معادل کلام به نوعی در کلام گنجانده شود، حذف جایز است. برای نمونه در مواردی با توجه به قرینه ماقبل و برای جلوگیری از تکرار، بخشی از کلام را حذف می‌کنند. اگرچه حذف موارد جزئی از جمله حروف آن هم به صورت مشروط در برخی موارد پذیرفته است، در مورد ترجمه اسامی مواردی به چشم می‌خورد که حذف بدون هیچ توجیهی صورت گرفته است. همان‌گونه که اضافات بی‌مورد موجب اخلال در بیان معنی می‌شود، حذف‌های بی‌جهت نیز به مراتب بیشتر انتقال معنا را با مشکل مواجه می‌سازد. موارد حذف در ترجمه خوب بسیار محدود، حتی نادر است و مترجم وفادار جز در مواقع ضروری و اجتناب‌ناپذیر اقدام به حذف مطلبی نمی‌کند، چرا که حذف بی‌رویه عمده‌ترین عیب ترجمه محسوب می‌شود. از جمله این افتادگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مترجم	واژه	برابرها
پاینده	.. و كان الله عزيزا حكيمًا	كل این عبارت ترجمه ندارد (فتح ۱۹)
نوبری	کریم	ندارد (نمل ۴۰)
نوبری	مقیمت	ندارد (نساء ۸۵)
نوبری	غفور	ندارد (اسراء ۴۴)
رهنما	مقیمت	ندارد (نساء ۸۵)
خرم‌دل	حفیظ	ندارد (هود ۵۷)
خرم‌دل	خبیر	ندارد (مجادله ۱۱)
قرشی	حکیم	ندارد (ممتحنه ۱۰)

۴-۵- ارائه معادل‌های دشوار: در هر دوره‌ای نیاز به ترجمه جدید از قرآن است که در آن نزدیک‌ترین و دقیق‌ترین معادل‌ها براساس واژه‌های جدید و مناسب فهم مخاطبان آن زمان صورت بگیرد. به عبارت دیگر، هرگاه مخاطبین ترجمه قرآن عموم باشند و نه یک گروه خاص، باید از واژه‌های رسا و قابل فهم برای عامه مردم یا همان نثر معیار بهره‌گرفت تا مخاطب برای فهم آن دچار مشکل نشود. وجود واژه‌های نامأنوس و نه چندان آشنا در متن باعث می‌شود که متن موردنظر شیوا و روان نباشد و علاوه بر آن در انتقال معنا نیز با کاستی مواجه شود.

تقدیر ترجمه اسماء خداوند ۶۳۱۱۱

برخی از مترجمان معاصر قرآن، برابر نهادهایی برای این اسامی وضع کرده‌اند که ابهام آن از اصل عربی آن کمتر نیست و این از ارزش ترجمه آنها می‌کاهد. نکته قابل توجه این است که باید در اینجا بین درست بودن و طبیعی بودن ترجمه نیز تمایز قائل شویم. اینکه معادل انتخاب شده، شناخته شده و رایج باشد تا آنکه صرفاً قابل قبول باشد، یکی از مسائل مطرح در ترجمه است. کاربرد معادل‌های رایج در مقابل واژه‌های دشوار، تفاوت بین یک ترجمه روان و یک ترجمه ناشیانه را آشکار می‌سازد. برای نمونه:

مترجم	واژه	برابر نهادها
نوبری	غنی	بی احتیاج (نمل ۴۰)
پاینده	ودود	مودت شعار (هود ۹۰)
پاینده	واسع	گشادگی بخش (بقره ۲۶۸)
رهنما	واسع	فراخ بخشش (نجم ۲۲)
الهی قمشه‌ای	قهار	قاهر و غالب (یوسف ۳۹)
الهی قمشه‌ای	حکیم	محکم کار (نور ۵۹)
فولادوند	حکیم	سنجیده کار (حجرات ۸)

۴-۶- عدم توجه به تنیدگی مقوله صرفی و معنایی در زبان مبدأ: ساختار زبان عربی به گونه‌ای است که ساختار صرفی واژه بر روی معنی آن تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، ساختار صرفی و معنایی واژه‌ها در این زبان در هم تنیده است. اسماء حسنی نیز از نظر اوزان صرفی به سه گروه تقسیم می‌شوند و پیداست که بر اساس اصول صرفی، هریک از این اوزان معانی متفاوتی را افاده می‌کنند. توجه به این معناشناسی صرفی بسیار حائز اهمیت است زیرا بخشی از تفاوت معنایی را آشکار می‌سازد اگرچه برای تعیین و مقایسه میان دو اسم کفایت نمی‌کند و برای کشف ساختارهای تفاوت معنایی میان اسماء خداوند ناچار باید از سطوح بالاتر صرفی یا همان معناشناسی واژگانی کمک گرفت (آیینه‌وند و نیازی، ۱۳۷۹). در برخی از ترجمه‌ها مشاهده می‌شود که بدون لحاظ کردن این ویژگی‌های صرفی و وزنی، معادلی را برای واژه برگزیده‌اند که از جمله لغزش‌های ترجمه محسوب می‌شود. برای نمونه:

متوجه	واژه	برابرها
نوبری	الواسع	بسیار وسیع (نجم ۳۲)، وسیع (بقره ۲۶۱)
الهی قمشه‌ای	الغفور	بسیار آمرزنده (بقره ۲۲۵)، آمرزنده (بقره ۲۲۶)

همان‌طور که نمونه‌های ذکر شده نشان می‌دهد، برخی از اسماء خداوند در قرآن به صورت صفت مشبیه و برخی به صورت صیغه مبالغه آمده‌اند. در زبان عربی، صفت مشبیه بر ثبوت و دوام دلالت می‌کند، بی آنکه مقید به زمان خاصی باشد؛ بنابراین هر اسم مشتقی از ثلاثی مجرد که به حالتی پایدار و ثابت دلالت کند، صفت مشبیه است. در مقابل صیغه مبالغه اسمی است که بر وجود صفتی به میزان زیاد در شخص یا شیء دلالت می‌کند. این نوع مشتق بر وزن‌های فَعُول، فَعِيل، فَعَال، فَعِيل، فَعُول، مِفْعَال و مِفْعِيل ساخته می‌شود. حاجی اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۵) معتقدند صفت مشبیه و صیغه مبالغه هرگاه مسند «کان» باشد و کان دلالت خاصی بر زمان نداشته باشد، این صفات خداوند را باید به صورت صفت مطلق ترجمه کرد. آنها استدلال می‌کنند که اگرچه به لحاظ نحوی و زبانی نمی‌توان دلیلی برای آن ذکر نمود، اما به لحاظ کلامی نیز نمی‌توان تفاوت این صفات را برای خداوند پذیرفت؛ زیرا همه صفات خداوند هم دارای ثبوت است هم مبالغه.

۴-۷- ترجمه واحد از اسامی مختلف: این موضوع کاملاً واضح است که تعداد و تفاوت اسماء، تنها به لحاظ معنی مفید بوده و اهمیت آنها به این جهت است که هر یک از آنها نوعی معنی خاص را القاء می‌کند. توجه به این دلالت‌های معنایی متفاوت، از ظرافت‌های ترجمه است که شایسته است مترجمین قرآنی آن را مدنظر قرار داده و در ترجمه خود اعمال کنند. فرحات (به نقل از امیری فر و همکاران، ۱۳۹۶) بیان می‌کند اگرچه این کلمات، از نظر دلالت بر یک ذات واحد با یکدیگر همسان هستند، ولی تکمیل‌کننده یکدیگرند و انبوه این واژه‌ها و توصیفات متعدد به درک هر چه بهتر مخاطب کمک می‌کند. غزالی نیز معتقد است که اگرچه اسماء نود و نه‌گانه تناسب معنایی دارند، مترادف نیستند و مترادف محض در این ارتباط وجود ندارد. وی همچنین اضافه می‌کند اینکه ما قادر به تشخیص معانی متفاوت در اسامی متقارب

فهرست ترجمه اسامی خداوند ۶۵۱۱۱

المعنی نیستیم، نافی اصل افتراق نیست (غزالی، ۱۹۸۶، ۳۸ - ۳۷). با این وجود کم نیست ترجمه‌هایی که مترجم دقت لازم در بیان تفاوت‌های میان اسامی را نداشته و اسامی را به کمک یکدیگر معنی کرده است بدون تردید این تعدد تعابیر هدفمند بوده و هرچند از نظر محتوایی به یک مفهوم اشاره دارند، از نظر ارائه تصاویر گوناگون از یک پدیده، مکمل یکدیگرند و نادیده‌نگاشتن این نکته ظریف، باعث می‌شود که پیام واقعی کلام منتقل نشود.

مترجم	واژه	برابرها
نوبری	الغفور	رحیم (ال عمران ۱۲۹)
مکارم شیرازی	الرئوف	رحیم (بقره ۱۴۳)
نوبری	الرقیب	حافظ و مراقب (احزاب ۵۲)
نوبری	الحفیظ	مراقب (سبا ۲۱)
فولادند	الرقیب	مراقب (احزاب ۵۲)
فولادوند	الحفیظ	محافظ و مراقب (هود ۵۷)
قرشی	الکبیر العظیم	بزرگ (رعد ۹) بزرگ ((حاقه ۳۳))
الهی قمشه‌ای	القیوم القادر	توانا (طه ۱۱۱) توانا (انعام ۶۵)

۴-۱۳ - **تغییر مقوله واژگانی زبان مبدأ:** گاهی لازمه انتقال روان معنا، تغییر نقش دستوری کلمات است. این شیوه یعنی جایگزین کردن بخشی از گفتمان با بخشی دیگر، بی آنکه محتوای پیام تغییر کند، «انتقال» نامیده می‌شود. در واقع، بر اساس این قضیه می‌توان در ترجمه بدون ایجاد تغییر در معنا، ساختار را تغییر داد. در این صورت، مترجم اسم را به فعل، فعل را به قید، فعل را به اسم یا قید و نظیر آن ترجمه می‌کند (مهدی‌پور، ۱۳۹۰). تفاوت ساختارهای دو زبان عربی و فارسی یکی از مهم‌ترین عواملی است که انتقال معنا را با دشواری مواجه می‌سازد که لازمه گذشتن از این مانع، تبدیل ساخت زبان مبدأ در لایه‌های مختلف آن - طی فرایند ترجمه - به ساختارهایی متناسب با زبان مقصد است. با این وجود باید توجه داشته باشد که دست زدن به هر تغییری مجاز نیست و گاهی اوقات زیاده‌روی در تعدیل‌های

ترجمه‌ای عیب شمرده می‌شود و موجب از دست رفتن برخی ویژگی‌های اساسی متن مبدأ همچون تأکیدهای نویسنده بر امری خاص و یا خصوصیات زیبایی‌شناختی آن می‌شود (زرکوب و صدیقی، ۱۳۹۲). برای نمونه:

مترجم	واژه	برابرها
یزدی	بسم الله الرحمن الرحيم	به نام خداوندی که از سرمهر بخشش فراگیر و همیشگی دارد.
نوبری	الغفور	توبه‌کنندگان را می‌بخشد (ال عمران ۱۵۵)
خرم‌دل	الغفور	مغفرت (اسرا ۴۴)
مکارم	الغفور	می‌بخشد (اسرا ۴۴)
کاویان پور	الغفور	خواهد بخشید (اسرا ۲۵)

۵- نتایج مقاله

ترجمه قرآن به زبان فارسی، از آغاز تا کنون همواره سیر تکاملی داشته و در سال‌های اخیر این روند شتاب بیشتری به خود گرفته است. علی‌رغم ترجمه‌های بسیار ارزنده‌ای که در طی سال‌های اخیر توسط مترجمین به نام ارائه شده است، تا رسیدن به ترجمه‌ای مطلوب که همانا ترجمه‌ای فاقد خطا و یا با کمترین میزان خطا است، راهی طولانی در پیش است. برای دستیابی به این هدف آرمانی، نقد و بررسی ترجمه‌های پیشین چه به صورت خاص (فردمحور) چه به صورت عام (موضوع محور)، به منظور شناخت اقسام مختلف آسیب‌های ترجمه قرآن (آسیب‌های علمی، فنی، روش‌شناختی و سبک‌شناختی، مبنایی و نظیر آنها) و همچنین ارائه راهکارهایی برای حل این چالش‌ها، ضروری است. در مقاله حاضر، برخی لغزش‌های صورت‌گرفته در رابطه با ترجمه اسماء الحسنی به زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق حاضر حاکی از آن است که عدم رعایت یکسانی و پیوستگی در ترجمه، عدم رعایت همگونی معادل‌ها در آیاتی با ساختار نحوی و موضوعی مشابه، عدم رعایت اختصار در ترجمه، عدم توجه به بار معنایی و عاطفی واژه، حذف، ارائه معادل‌های دشوار، عدم توجه به تنیدگی مقوله صرفی و معنایی در زبان مبدأ و ترجمه واحد از اسامی مختلف، بخش کوچکی از کاستی‌هایی

نقد ترجمه اسماء خداوند ۶۷

است که در ترجمه اسماء الحسنی به زبان فارسی صورت گرفته است. توجه به این یافته‌ها می‌تواند راه را برای ارائه ترجمه‌ای شیواتر و کم‌خطاتر هموارسازد. شایان ذکر است که با دقت در ترجمه‌های قرآن و نقد و بررسی موشکافانه آنها گونه‌های بیشتری از آسیب‌ها و کاستی‌های این زمینه مشخص می‌شود که هر یک از این لغزش‌ها خود می‌تواند عنوان یک پژوهش مستقل باشد و در یک بررسی پیکره‌ای دقیق ارزیابی شود.

کتابشناسی

- الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۷۷). *القرآن الکریم*، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- امیری فر، محمد، روشنفکر، کبری، پروینی، خلیل و کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه. (۱۳۹۶). "خطاهای ترجمه در باهم آیی‌های قرآنی با تکیه بر دیدگاه‌های نیومارک، بیکر و لارسون". پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۷، شماره ۱۶، صص ۸۵-۶۱.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۳۶). *قرآن مجید*، تهران: جاویدان.
- حاجی اسماعیلی، محمدرضا، شکرانی، رضا، و کیانی، زهره. (۱۹۵). "بررسی ساخت‌های گوناگون "کان"ی ناقصه در قرآن و نقد دیدگاه مترجمان در برابریابی فارسی آن". *ادب عربی*، سال ۸، شماره ۱، صص ۷۶-۵۹.
- خرم‌دل، مصطفی. (۱۳۷۱). *ترجمه قرآن*، تهران: احسان.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۶). *منطق ترجمه قرآن*، قم: مرکز جهانی علوم انسانی.
- رهنما، زین العابدین. (۱۳۵۴). *قرآن مجید با ترجمه و تفسیر*، تهران: کیهان.
- زرکوب، منصوره و صدیقی، عاطفه. (۱۳۹۲). "تعدیل و تغییر در ترجمه: چالش‌ها و راهکارها با تکیه بر ترجمه کتاب *الترجمه و ادواتهاگک*". پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۳، شماره ۸، صص ۵۴-۳۵.
- غزالی، ابو حامد محمد. (۱۹۸۶). *المقصد الاسنی فی شرح اسماء الله الحسنی*، بیروت: دارالمشرق.
- فولادوند، مهدی. (۱۳۷۳). *قرآن مجید*، تهران: دارالقرآن الکریم.
- قرشی بنایی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱). *ترجمه و تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.
- کاویان پور، احمد. (۱۳۷۲). *ترجمه قرآن کریم*، تهران: اقبال.
- کریمی نیا، مرتضی. (۱۳۸۹). *یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن، ساخت‌های زبان فارسی و مسئله ترجمه قرآن*، تهران: هرمس.
- مروتی، سهراب. (۱۳۷۱). *بررسی ترجمه قرآن کریم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۶). *القرآن الکریم*، قم: دارالقرآن الکریم.
- مهدی پور، فاطمه. (۱۳۹۰). "زان رنه لادمیرال؛ قضایایی برای رویارویی با مشکلات ترجمه"، کتاب ماه ادبیات، شماره ۵۱ (پیاپی ۱۶۵)، صص ۴۸-۵۲.
- نجار، علی. (۱۳۸۴). *اصول و مبانی ترجمه قرآن*، رشت: کتاب مبین.
- نوبری، عبدالحمید. (۱۳۳۹). *کشف الحقایق*، تهران: موسوی.

نقد ترجمه اسماء خداوند ۶۹۱۱۱

یزدی، محمد. (۱۳۸۶). ترجمه قرآن کریم، تهران: اسوه.

Nida, E. and Taber, C. (1969). *The Theory and Practice of Translation*,
Leiden: E.J.Brill.